

حج یک عمل عبادی سیاسی است که هر جزئی از اجزاء آن دارای اسراری است که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است و یا محققان بر آنها دست یافته‌اند در این مقاله به اسرار: «توجه به کعبه به هنگام نماز»، «استلام حجر به هنگام طواف و غیره»، «سعی میان صفا و مروه» و «رمی جمرات» اشاره شده است.

* * *

همه پیامبران برای مبارزه با شرک، و بت‌پرستی برانگیخته شده‌اند و کافی است که به این آیه توجه کنیم:

«و ما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون»^۱

این آیه به روشنی می‌رساند که محو مظاهر هر نوع دوگانه پرستی در هر دوره، از اساسی‌ترین وظایف پیامبران بوده است.

با توجه به این اصل، در نماز و مراسم حج، کارهایی دیده می‌شود که در ظاهر با اصل توحید سازگار نیست؛ مانند: توجه به کعبه در حال نماز که سنگ و گمل است، یا دست گذاشتن به «حجر الأسود» که جمادی بیش نیست و یا سعی میان دو کوه به نامهای «صفا» و «مروه» و... حال این پرسش پیش می‌آید که راز وظایف و اعمال چیست؟ و چه تفاوتی با کار بت‌پرستان دارد؟

پیش از این که اسرار این اعمال را روشن سازیم، یادآور می‌شویم که این سؤال سابقه دیرینه دارد. در زمان حضرت امام جعفر صادق - ع - ابن ابی العوجاء - رئیس مادی‌های عصر خود - با

گوشه‌ای از اسرار حج

جعفر سبحانی

گروهی از همفکران خویش، به حضور امام صادق - ع - رسید و به حضرتش چنین گفت: «سخنان من در محضر تو، رازی است که نباید به خارج درز کند. هرکسی حق دارد در مورد مشکل خود سؤال کند. آیا به من اذن می‌دهی از شما سؤال کنم؟» امام صادق - ع - فرمود: هر چه می‌خواهی بپرس. گفت: تا کی این خرمن را می‌کوبید و به این سنگ اشاره می‌کنید و این خانه برافراشته از آجر و گل را پرستش می‌نمایید و بسان شتری دور آن با جست و خیز طواف می‌کنید؟ من از آن جهت این مطلب را از تو می‌پرسم که تو رئیس مذهب و بزرگ آن هستی و پدر تو پیامبر اسلام - ص - بنیانگذار آن بود. امام صادق - ع - با منطق استوار و سخنان حکیمانه خود، پرده از روی اسرار و رازهای برخی از مراسم حج برداشت. ما چکیده سخنان ایشان و سایر پیشوایان را که پیرامون این سؤالها وارد شده است، نقل می‌کنیم: هدف از نقل این قسمت، اشاره به سابقه سؤال است، که روشن شود این پرسش‌ها، از زمانهای دور در اذهان وجود داشته است.

۱- راز توجه به کعبه در حال نماز

برخلاف آنچه که ابن ابی العوجای مادی عصر امام جعفر صادق - ع - می‌اندیشید، هدف از توجه به کعبه در حال نماز، پرستش کعبه و یا سنگ و گل نیست. همه نمازگزاران خدا را می‌پرستند و همگی با وجود توجه به کعبه، به خداوند یکتا می‌گویند: «ایاک نعبد و ایاک نستعین» علت این که در نماز به کعبه توجه پیدا می‌کنیم، این است که کعبه قدیمی‌ترین معبد و خانه توحید است، که به دست پیامبران بزرگ الهی برای اهل توحید ساخته شده است، هیچ معبدی از نظر سابقه به پای آن نمی‌رسد، چنان‌که قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ»^۲.

نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شده، در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.

آیین مقدس اسلام، برای ایجاد وحدت میان نمازگزاران و هماهنگ ساختن صفوف نیایشگران واجب کرده است که همگی نماز را به یک زبان بخوانند، و همگی در حالت نماز، به قدیمی‌ترین معبد متوجه شوند، تا از این طریق وحدت آنان را در حال عبادت و پرستش نیز حفظ کرده باشد؛ یعنی در یک زمان میلیونها انسان یک سخن بگویند، و به یک نقطه متوجه گردند. و وحدت، یگانگی و همبستگی خود را آشکار سازند. بنابراین، توجه به این معبد برای پرستش معبد نیست، بلکه رمز وحدت و مایه یگانگی در حال پرستش است.

مسلمانان در صدر اسلام، نمازها را با جماعت برگزار می‌کردند. نماز جماعت از مستحبات مؤکد اسلام است. جمعی که می‌خواهند فریضه‌ای را با هم انجام دهند، باید همگی به نقطه واحدی متوجه شوند، و در غیر این صورت انجام فریضه امکان‌پذیر نخواهد بود.

پیامبر اسلام با تمام مسلمانان، تا مدتی به سوی «مسجد الاقصی» - که آن نیز معبد الهی است - نماز می‌گزاردند، ولی در هفدهمین ماه هجرت به علی که در جای خود مذکور است، دستور داده شد که مسلمانان هر کجا که باشند، به مسجد الحرام که در درون آن، کعبه قرار دارد، متوجه شوند. خدای - عزوجل - می‌فرماید: «فَوَلَّوْا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ»؛ «رو به سوی مسجد الحرام کنید».^۳

امام صادق - ع - معترض مادی عصر خود را به یکی از اسرار توجه به کعبه در حال نماز متذکر شد و گفت: این خانه‌ای است که خداوند جهان، به وسیله آن، بندگان خود را به عبادت و پرستش خود واداشته است و با امر به اطاعت خود، آنان را به امتحان کشیده و کعبه را مرکز پیامبران و قبله نمازگزاران قرار داده است.

۲ - چرا بر حجر الاسود دست می‌گذاریم؟

از احادیث اسلامی استفاده می‌شود، که بنای کعبه، قبل از حضرت ابراهیم - ع - وجود داشته و بر اثر طوفان نوح - ع - دیوار آن فرو ریخته بود. آنگاه که ابراهیم مأمور شد که نخستین معبد را نوسازی کند، به دستور الهی «حجر الاسود» را که جزئی از کوه «ابوقیس» بود، در میان دیوار کعبه قرار داد. اکنون سؤال می‌شود: چرا بر این سنگ دست می‌گذاریم؟ و هدف از این عمل چیست؟ پاسخ آن این است، که دست گذاردن بر آن، یک نوع معاهده و پیمان بستن با حضرت ابراهیم است که مانند قهرمان توحید با هر نوع مظاهر شرک و بت‌پرستی مبارزه کنیم و از یکتا پرستی منحرف نگردیم و در تمام مظاهر زندگی از جاده توحید دور نشویم.

بیعت با یک فرد، گاهی با دادن دست و فشردن آن انجام می‌گیرد و گاهی با گرفتن گوشه لباس یک فرد، و احياناً به شکل دیگر است. در تاریخ می‌خوانیم وقتی آیه «یا ایها النبی اذا جئت المؤمنات یا بعتک علی ان لا یشرکن بالله شیئاً»^۴ نازل شد پیامبر دستور داد ظرف آبی آوردند و دست خود را در میان آب گذارد، سپس دست مبارک را از آب بیرون آورد و فرمود: هرکس می‌خواهد با من بیعت کند، دست خود را در میان همین آب بگذارد، و بر مضمون آیه با من بیعت نماید.

در اینجا بیعت با رسول خدا از طریق دست گذاردن بر چیزی انجام گرفت که رسول خدا بر آن دست گذارده بود و جریان در استلام «حجر الاسود» نیز چنین است. هدف این است که با قهرمان

توحید و حضرت رسول گرامی، بر حفظ توحید، بیعت کنیم. لذا امام صادق - ع - می‌فرماید: دست بر حجر بگذارید و چنین بگویید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لَتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ»^۵

«امانتی که بر دمه من بود (زیارت خانه خدا) ادا کردم و پیمان خود را برعهده گرفتم، تا روز جزا گواه بر وفاداری من باشی».

ابن عباس می‌گوید: «دست گذاردن بر سنگ به منزله بیعت با رسول خدا است که از میان ما رفته است».^۶

بنابراین هدف از بوسیدن و دست گذاردن بر سنگ، مجسم ساختن یک پیمان قلبی است که مرکز آن روح و روان انسان است. در حقیقت، زائران خانه خدا با این عمل، آن پیمان قلبی را به صورت امر ملموس و محسوس درمی‌آورند.

امروز در بسیاری از کشورها، سربازان، پرچم کشور را مقدس شمرده و در برابر آن می‌ایستند و سوگند یاد می‌کنند. بطور مسلم، ماهیت پرچم جز چند متر پارچه چیز دیگری نیست. ولی وقتی بصورت پرچم درآمد، رمز استقلال مملکت و تجلیگاه اراده ملی و مردمی آن می‌گردد. در این موقع سرباز به جای فشردن دست مردم و یا رهبران، به پرچم اشاره نموده و سوگند یاد می‌کند. در بخش آینده پاسخ، خواهید خواند که هدف از برخی از مراسم حج، مجسم ساختن یک رشته واقعیتهای واقعیت‌هایی که از طریق اعمال حج، تجسم پیدا کرده و خود را نشان می‌دهد.

۳- هدف از سعی میان صفا و مروه چیست؟

زائر خانه خدا با سعی میان دو کوه صفا و مروه، حالت مادر اسماعیل - هاجر - را مجسم می‌کند، به گواهی تاریخ او بدون این که از رحمت خدا مأیوس شود، در آن بیابان بی‌آب و علف، هفت بار برای پیدا کردن آب میان دو کوه، سعی کرد، سرانجام مشمول لطف الهی شد، و به مقصود خود رسید و با جوشش آب از زیر پای اسماعیل، او و فرزندش از تشنگی نجات یافتند.

از برخی احادیث استفاده می‌شود که شیطان در این نقطه برای ابراهیم مجسم شده و او با سعی خود به تعقیب او پرداخت تا او را از ساحت قدس خانه خدا دور سازد. ما نیز با این عمل، آن عمل معنوی را مجسم می‌سازیم^۷ همچنانکه با قربانی کردن گوسفند در بیابان منا، خاطره فداکاری حضرت ابراهیم را زنده نگاه می‌داریم که در راه خدا، از همه چیز - حتی از فرزند خود - گذشت.

۴- هدف از رمی جمرات چیست؟

زائران خانه خدا در روزهای دهم و یازدهم و دوازدهم، ستونهای خاصی را در سرزمین منا (نزدیک مکه) سنگسار می‌کنند. در این حال به ظاهر به نقطه‌ای سنگ می‌زنند، ولی در باطن شیطان را رجم می‌کنند.

احادیث اسلامی ماهیت عمل را تشریح کرده و می‌گویند: شیطان در هر سه نقطه در برابر ابراهیم مجسم شده و ابراهیم به عنوان ابراز تنفر از شیطان بر او سنگ زده است. عمل ابراهیم به عنوان سنت الهی در اعمال حج باقی می‌ماند.

زائران خانه توحید، به عنوان ابراز تنفر از شیطان و شیطان صفتان، ابراهیم‌وار، همان نقطه‌ها را سنگباران می‌کنند. و بدین وسیله تنفر خود را از هر موجود پلیدی ابراز می‌دارند. و تنفر از پلیدی را که یک امر معنوی و قلبی است، از این طریق به صورت ملموس و محسوس درمی‌آورند.

امروز ملت‌های مستضعف و تحت ستم و سلطه، پرچم ابرقدرتها را به آتش می‌کشند، پرچم، جز چند متر پارچه رنگ شده، چیزی نیست. ولی مردم برای ابراز خشم نسبت به فجایع ابرقدرتها، نشانهای آنها را به آتش می‌کشند، گویی خود آنها را به آتش کشیده و نابود کرده‌اند، حداقل این عمل اظهار تنفر شدیدی از آنها است.

خلاصه اگر کسی در تاریخ فرائض حج دقت کند، این حقیقت را لمس می‌کند که بسیاری از این اعمال، برای مجسم کردن یک رشته خاطرات سازنده از زندگی ابراهیم - ع - و امور معنوی و اخلاقی است که با یک سلسله کارها به صورت «سمبلیک» انجام می‌گیرد، و هدف هرگز پرستش سنگ و گِل و کوه نیست.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- انبیا: ۲۵.
- ۲- آل عمران: ۹۶.
- ۳- بقره: ۱۴۴.
- ۴- ممتحنه: ۱۲.
- ۵- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۰، باب ۱۲، حدیث ۱.
- ۶- وسائل الشیعه، ج ۹، ابواب طواف، باب ۱۳، حدیث ۱۵، ص ۴۰۶.
- ۷- وسائل الشیعه، ج ۹، ابواب سعی، حدیث ۱۲، ص ۵۱۳.